



تفسیر قرآن مجید

بر اساس تفسیر موضوعی

سوره اسراء آیه ۳۶

مسئولیت انسان دربارهٔ برار ساخت

و لا تقف مالس لك به علم ان السمع والبصر و الفؤاد ،
كل اولئك كان عنه مسئولاً .

از چیزی که به آن علم و اطمینان نداری پیروی مکن زیرا هر یک از
گوش و چشم و دل مسئول می باشند .

حس کنجکاوی و واقع گرایی یکی از ابعاد روح و روان انسان بشمار می رود ، هر
فردی به طور فطری حقیقت طلب آفریده شده است . اگر آفرینش انسان با حس واقع جوئی
آمیخته نبود ، هرگز به دریدن پرده های جهل موفق نمی گشت .

انسانی در هر رویدادی خواهان فهم حقیقت جریان است ، و تا به سرحد شناخت کامل
نرسد ، هرگز گمان و پندار ، عطش واقع جوئی او را فرو نمی نشاند .

به خاطر فطری بودن همین مطلب ابن سینا می گوید : هر کس بدون دلیل استواری از
نظریه ای پیروی کند ، او فطرت انسانی خود را از دست داده است .

در حالی که پیروی از علم و دوری از وهم و پندار برای انسانها یک امر فطری است ،
گاهی دیده می شود که گروهی به خاطر یک رشته منافع زودگذر ، یا برای رسیدن به مقام ،
چشم و گوش بسته ، از مسلکی پیروی می کنند ، و چه بسا برای ارضاء وجدان سرزنش کننده
خود چنین وانمود می کنند که بآن مطلب علم و اذعان دارند ، قرآن این گروه را در آیات
متعددی نکوهش می کند و می فرماید :

«مالهم بذلك من علم الا یظنون» سوره جاثیه آیه ۲۴ : هرگز به آنچه ادعاء

می کنند ، علم واذعانی ندارند، بلکه از وهم وپنداری پیروی می کنند .

و در آیه مورد بحث می فرماید : ولاتقف ماليس لك به علم: از چیزی که بآن علم نداری پیروی منما . و در حقیقت این جمله ، همان حکم فطری را باز گومی کند و بشر را نسبت به آن متوجه می سازد .

مسئولیت ابزار شناخت

اگر آغاز آیه ما را به يك حکم فطری توجه می دهد، ذیل آیه این حکم فطری را به گونه ای مدلل می سازد و آن این که ابزار شناخت را مسئول می شمارد . و مسئول بودن ابزار، در حقیقت همان مسئول بودن خود انسان است و یی توان این مسئولیت را به سه گونه تفسیر کرد .

۱- خداوند در وجود انسان این ابزار را تعبیه کرده است که از طریق آنها ، حق را از باطل باز شناسد، و زندگی را بر اساس حق بنا نهاد از این جهت مسئول است به جای بستن چشم و گوش و پنداره گرائی ، به وسیله آنها حقایق را از او هام تمیز دهد و علم و اذعان را مبنای زندگی قرار دهد .

۲- او مسئول است در بهره برداری از این ابزار از هر نوع افراط و تفریط خودداری کند، و دقت نماید که آیا آنچه را بوسیله چشم و گوش دیده و شنیده درست دیده و شنیده است و یا آنچه که به وسیله دل تضوات کرده است به گونه ای صحیح بوده است؟ زیرا هر نوع دیدن و شنیدن نمی تواند پایه تضوات دل باشد و به مجموع این دو نوع مسئولیت در ذیل آیه اشاره شده است چنانکه می فرماید :

ان السمع والبصر والفؤاد كل اولئك كان عنه مسئولا

۳- او مسئول است که از این ابزار به طرز صحیح و مشروع بهره برداری کند ، از مناظر حرام چشم پوشد و از شنیدن غیبت و تهمت و لحن های حرام گوش ببندد (۱) و در روز ستاخیز همین اعضاء به فرمان خداوند ، بر ضد انسان که مسئولیت مستقیمی در مورد آنها دارد ، گواهی می دهند علاوه بر ذیل آیه مورد بحث در آیات متعددی به این مسئولیت تصریح شده است که به عنوان نمونه یکی را می آوریم :

«حتی اذا ماجاهوها شهد عليهم سمعهم وابصارهم و

جلودهم بما كانوا يعملون (نصرت آیه ۲۰)

آنگاه که به نزدیکی آتش رسیدند ، گوش ها و دیدگان و پوست های آنان اعمال حرامی که به وسیله آنها مرتکب می شدند گواهی میدهند

(۱) در احادیث اسلامی با این آیه بر تحریم شنیدن «غیبت مؤمن» و یاغنا و موسیقی

استدلال شده است، به کتاب «مکاسب» شیخ انصاری مراجعه فرمائید .

پیروی از علم اصل اساسی است

همانطور که در آغاز بحث یادآور شدیم، مفاد آیه مورد بحث بیانگر حکم فطری و طبیعی انسان است، و اینکه او در هر رویدادی تا به سرحد شناخت قطعی نرسد، آرام نمیگیرد. در این صورت مفاد آیه، کلی و گسترده خواهد بود و انسان در هیچ موردی بدون مدرك قطعی به چیزی تکیه نخواهد کرد.

در این جا سوالی به شرح یاد شده در زیر مطرح می باشد: اگر پیروی از علم يك اصل کلی و اساسی است پس چرا در مواردی ما از ظن و گمان پیروی می کنیم، مثلاً هر گاه در تشخیص مالک شیئی رادر حیطه تصرف شخصی دیدیم، به ذوالیده بودن او تکیه می کنیم و می گوئیم مال او است. در احکام الهی، به نقل يك عادل از معصوم اعتماد می کنیم (حجبت خبر واحد در احکام) و در تشخیص موضوعات مثلاً فلان چیز پاک است یا نجس، ملک فلانی هست یا نیست، به قول دو عادل عمل می نمائیم (حجبت بینة در موضوعات). از این که ما در این موارد به این امارات و قرائن عمل می کنیم و هیچ کدام علم و یقین آفرین نیست معلوم می شود، که مفاد آیه يك اصل اساسی نیست و گاهی انسان به گمان و پندار تکیه می کند.

این پرسش را فخر رازی در تفسیر خود مطرح کرده است و روی آن تکیه کرده است (۱) و موارد دهگانه ای را یاد آور شده است که در آن جا شارع اجازه داده است که به ظن عمل شود ولی رازی از يك نکته غفلت کرده است و با توجه به آن اذعان خواهد کرد که حتی در این موارد، عمل تکیه گاه قطعی دارد، نه ظن، و در حقیقت عمل به علم و قطع است نه ظن و گمان.

درست است که هر کدام از این قرائن و امارات، یقین آفرین نیست، ولی از آنجا که حجیت و صحت اعتماد بر آن ها از جانب شارع، به وسیله دلائل قطعی ثابت شده است از این جهت عمل به آنها عمل به چیزی است که به طور یقین حجت و مورد رضای شارع است و به عبارت دیگر: چون تحصیل یقین در تك احکام و موضوعات، مایه رنج و زحمت می باشد، صاحب شریعت به حکم این که اسلام آئین سهل و آسان است، اجازه داده است که در این موارد به چنین قرائن و اماراتی عمل کنیم، و اجازه و امضاء شارع نسبت به این ها بطور یقین به ما رسیده است و برای ما مانند آفتاب روشن است که شارع در این موارد به ما اجازه داده است که به این دلائل ظنی عمل کنیم. در این صورت عمل ما به این قرائن به حکم اجازه قطعی و عمل به یقین و قطع است نه عمل به ظن و پندار.

آنچه که برای هراسانی قطعی است این است که در مسیر زندگی تکیه گاه قطعی داشته

۱- به تفسیر مفاتیح الغیب ج ۵ ص ۵۸۸ مراجعه فرمائید.

باشد، نه ظنی و چون اجازه عمل به این قراین ، به خاطر سهولت زندگی ، بآدلائل قطعی ثابت شده است قطعاً انسان در موارد تکیه گاه قطعی دارد نه پنداری ، و به عبارت روشن تر: انسان در انجام تکالیف یا باید بدلیل قطعی عمل کند مثل این که دستوری را از خود پیامبر بشنود یا به چیزی عمل کند که بادلل قطعی حجیت آن ثابت شده است و موارد دهگانه ای که وی یادآوری کرده است، از قبیل قسم دوم است، و قابل اعتماد بودن آن‌ها بادلل قطعی روشن شده است . و برای همین جهت در آیه دیگر می فرماید :

وان الظن لا یغنی من الحق شیئاً . سوره نجم آیه ۲۸ ، گمان و پندار هرگز تو را از پیروی حق بی نیاز نمی سازد و هیچ انسان خردمندی تکیه گاه قطعی را با تکیه و همی که ممکن است به طور تصادف صحیح باشد . عوض نمی کند .

از این جهت دائره سخن گفتن و قضاوت کردن برای انسان بسیار محدود است . فقط آنجا که می داند باید سخن بگوید و آنجا که نمی داند ، باید لب تکان نهد ، حضرت باقر (ع) در این مورد می فرماید : حق الله علی خلقه ان یقولوا ما یعلمون و یفوقوا عند ما لا یعلمون (وسائل الشیعہ ج ۱۸ ابواب صفات قاضی باب ۱۲ حدیث : ۲۷ . حق خدا بر بندگان این است که آنچه را می دانند بگویند و در رمز آنچه نمی دانند توقف کنند .

در آئین دادرسی اسلام قاضی باید بداند که حکمی که می دهد ، حکم خداست و اگر روی وهم و پندار داوری کرد هر چند به حق باشد ، جایگاه او آتش است امام صادق (ع) در این مورد می فرماید : رجل قضی بالحق و هو لا یعلم . وسائل الشیعہ ج ۱۸ ص ۱۲۷ : آن دادرسی که به حق (اما ندانسته) قضاوت کند جایگاه او دردوزخ است .

مسئول کیست ؟

دراهمیت سمع و بصر (این ابزار مهم شناخت) همین بس که لفظ سمع در قرآن ۲۲ بار و بصر ۴۸ بار وارد شده و در آیه مورد بحث در حالی که خود فؤاد مسئول شمرده می شود در کنار آن ، ابزار فؤاد که همان سمع و بصر است مسئول شمرده شده است و مقصود از فؤاد همان دل و روح انسانی است که واقعیت انسان را تشکیل می دهد و مسئول واقعی حتی در زمینه سمع و بصر اوست . ولی به خاطر اهمیتی که این دو وسیله شناخت در زندگی انسان دارند ، خود آنها هم مسئول ، معرفی شده اند .

ایمان و مسئولیت

پیغمبر اکرم (ص) می فرماید :

انسان با ایمان همچون کفه ای ترازوست هر قدر بر ایمان او افزوده شود بر مشکلات و مسؤولیت او افزوده می گردد .

« لا کتاب کافی »